

www.ketab.ir

سروردی

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

فلسفیدن فارغ از وجود

مسعود امید

سهروردی؛ فلسفیدنی فارغ از وجود اندیشه‌ای راسخ برای گذر از مسأله وجود

مسعود امید (دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز)

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم الرسام

حروفچینی و صفحه آرایی: محمد موسوی عقیقی

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: پیکان

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۵۰

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۹۰-۰۷۱-۷

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور
سهروردی، یحیی بن حبش، فارغ از وجود: اندیشه‌ای راسخ برای گذر از مسأله وجود به همراه مقاله‌ای در نقد تقریری جدید از اصالت وجود/ مسعود امید.

مشخصات نشر
تهران: نگاه معاصر، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری
۱۶۰ ص.

وضعیت فهرست نویسی
فبا

شابک
978-622-290-071-7

عنوانی دیگر
اندیشه‌ای راسخ برای گذر از مسأله وجود به همراه مقاله‌ای در نقد تقریری جدید از اصالت وجود.

موضوع
سهروردی، یحیی بن حبش، ۴۵۴۹-۵۵۸۷ق. -- دیدگاه درباره وحدت وجود

موضوع
Suhrawardi Yahya ibn Habash -- Views on pantheism

موضوع
سهروردی، یحیی بن حبش، ۴۵۴۹-۵۵۸۷ق. -- دیدگاه درباره هستی‌شناسی

موضوع
Suhrawardi Yahya ibn Habash -- Views on ontology

موضوع
وحدت وجود (فلسفه اسلامی)

موضوع
Pantheism (Islamic philosophy)*

موضوع
هستی‌شناسی (فلسفه اسلامی)

موضوع
Ontology (Islamic philosophy)*

رده بندی کنگره
BBR۵۵

رده بندی دیویی
۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی
۸۵۰۰۳۵۱

فهرست

مقدمه

۹

فصل اول: موضوع فلسفه سهروردی؛ استقلال، تداعی‌ها، پیشینه، پرسش‌ها

۱۷	موضوع فلسفه
۱۷	موضوعی در عرض دیگر موضوعات فلسفه
۱۸	تداعی‌ها و دلالت‌ها
۱۹	پیشینه تاریخی موضوع
۲۴	سه پرسش بنیادی در باب موضوع فلسفه سهروردی

فصل دوم: چیستی موضوع فلسفه سهروردی

۲۷	چیستی موضوع فلسفه سهروردی؛ یک پاسخ تشریحی
۲۷	الف) رویکرد غیر موضوع‌گرا
۲۹	ب) رویکرد موضوع‌گرا
۳۴	نکاتی در باب تأیید رویکرد موضوع‌گرا
۳۶	چیستی موضوع فلسفه سهروردی
۴۰	نتیجه‌گیری

فصل سوم: جرایمی موضوعیت نور و ظلمت

۴۱	جرایمی موضوع فلسفه سهروردی؛ یک پاسخ تحلیلی و نظری
۴۱	مراد از موضوع فلسفه
۴۳	ملاک بداهت
۴۴	دلایل رجحان بداهت نور بر وجود
۴۸	نتیجه
۵۰	ملاک غیبت
۵۱	ملاک شمولیت

۵۱	ملاک وساطت
۵۲	ملاک شرطیت
۵۳	ملاک قابلیت تبیین اکثری
۵۴	ملاک ضرورت
۵۵	ملاک تقدم

فصل چهارم: پرسش و پاسخ‌هایی در باب موضوع فلسفه سهروردی

۵۷	مسأله ظلمت
۵۸	امکان فلسفه و فلسفه‌ورزی بدون موجود و وجود
۵۸	مسأله نورشناسی فیزیکی جدید
۶۳	آیا نور برای سهروردی همان تأثر حسی از نور است و چیزی قائم به حس ماست؟

فصل پنجم: چگونگی گذر از مسأله وجود

۶۷	چگونگی گذر از مسأله وجود؛ یک پاسخ مستدل
۶۸	نگاهی به دلایل و تحلیل‌های سهروردی در باب اعتباری بودن موجود
۶۸	دلیل یکم: مسأله معنی و خاستگاه معنی و غفلت از آن
۷۱	چند نکته
۷۳	معنی وجود و خاستگاه آن در نزد سهروردی
۷۳	نکته بر خاستگاه‌های فهم متعارف و علوم و نه شهود
۷۵	خاستگاه نخست و سه معنی برای وجود
۷۶	تحلیل و ارزیابی فلسفی از معانی موجود در فهم متعارف
۷۷	خاستگاه دوم و معنی وجود
۷۹	قضایای علوم یکی از مهم‌ترین خاستگاه‌ها و حوزه‌های کاربرد وجود
۷۹	معنی وجود در قضایای مرکب و بسیط
۸۵	نظریه علامه طباطبایی و بررسی آن
۹۰	دلیل دوم: عینی بودن وجود مستلزم حمل ناپذیری بر متضادان و متخالفان در مفهوم وجود و وحدت عینی آنها در خارج
۹۲	دلیل سوم: فرض عینیت وجود، مستلزم تسلسل
۹۷	دلیل چهارم: قاعده فرعی، مستلزم محوریت و عینیت موضوع
۹۸	دلیل پنجم: تقدم متافیزیکی هویات و حقایق بر عناوین وجود و موجود
۹۹	دلیل ششم: عدم رجحان وجود بر ماهیت
۱۰۱	نکته: نقش وجود در حوزه شناخت و تفکر فلسفی

فصل ششم: نگاهی به تفاوت دیدگاه‌ها و تعیین مرزها در باب مسأله وجود

۱۰۳	۱. تفاوت در نسبت نور با وجود
۱۰۳	دیدگاه نخست: تساوق نور و وجود

۱۰۵	دیدگاه دوم: تأویل نور به وجود
۱۰۶	دیدگاه سوم: تمایز معنایی، مفهومی و مصداقی نور از وجود
۱۱۰	۲. تفاوت در کاربرد محمول وجود در گزاره
۱۱۲	۳. تفاوت در تقسیم‌بندی مبنایی
۱۱۴	۴. تفاوت در معرفت‌شناسی
۱۱۵	۵. تفاوت از جهت حفظ یا حذف هویت متعارف اشیا و معنای آنها
۱۱۶	۶. تفاوت از جهت حفظ یا حذف وحدت متافیزیکی اشیا
۱۱۸	۷. تفاوت در تصور از مجموعه اشیا
۱۱۹	۸. تفاوت از جهت قرب و بعد نسبت به فهم متعارف از اشیا
۱۲۲	۹. مسأله بی‌جانی و بی‌رغبتی و بی‌ارزشی و بی‌معنایی جهان

فصل هفتم: ملاحظات انتقادی در باب تفسیری جدید از نظریه اصالت وجود صدرایی

۱۲۶	بیان مختصر از تفسیر جدید نظریه اصالت وجود
۱۲۷	مقدمه نخست نظریه
۱۲۷	بیان اصول موضوعه مقدمه نخست
۱۲۸	بررسی اصول موضوعه
۱۲۸	پذیرش اصل اول و بررسی اصل دوم: پذیرش یک معنا برای هستی
۱۳۱	بررسی اصل سوم: اشتراك معنوی هستی
۱۳۱	بررسی اصل چهارم: عدم قابلیت طرح مسأله «اصالت»
۱۳۳	نکاتی در تأیید امکان طرح مسأله اصالت در معنای نخستین از هستی
۱۳۹	مقدمه دوم نظریه
۱۴۲	مقدمه چهارم نظریه
۱۵۱	مقدمه پنجم نظریه
۱۵۴	مقدمه نهم نظریه
۱۵۵	بیان نحوه هستی ماهیت در نظریه رقیب
۱۵۵	۱. تأملی در باب «حد»
۱۵۶	۲. نحوه وجود ماهیت
	نتیجه‌گیری

مقدمه

این نوشتار تحقیق و تأملی است در باب فلسفه سهروردی برای نشان دادن عزم و اندیشه شیخ اشراق برای گذر از موجود/ وجوداندیشی از افلاطون و ارسطو تا صدرالمتألهین. این مکتوب مشتمل بر طرح دیدگاه حداکثری در گذر از مسأله وجود و پشت سر نهادن آن در نرد سهروردی است. برداشت این تحقیق از فلسفه سهروردی آن است که فلسفه را پوسته‌ای است و هسته‌ای و وجود جزو پوسته فلسفه است و غیر وجود یعنی نور و ظلمت جزو هسته‌ای آنند.

به نظر می‌رسد که فلسفه سهروردی دارای دو جنبه سلبی و ایجابی است. جنبه سلبی فلسفه وی عزم گذر از مسأله وجود و وجوداندیشی دارد و جنبه ایجابی آن طراحی فلسفه‌ای فارغ از وجوداندیشی، یعنی نور-ظلمت اندیشی است. در مباحث مربوط به فلسفه سهروردی و نیز تاریخ فلسفه‌ای، جنبه سلبی تفکر سهروردی چندان مورد توجه و تمرکز و تأمل قرار نگرفته است. بزرگترین مسأله‌ای که جنبه سلبی فلسفه سهروردی در برابر دیدگان ما قرار می‌دهد مسأله اندیشیدن نه در فراق وجود بلکه در فراغت از وجود است یعنی این مسأله که: آیا می‌توان مسأله وجود را که از اندیشه افلاطون و ارسطو آغاز و در صدرالمتألهین به اوج خود رسیده است و حتی در نزد برخی از فیلسوفان جدید مانند هایدگر مورد توجه قرار گرفته است، از متن فلسفه به حاشیه راند و محور دیگری برای آن برگزید و حتی در صورت لزوم وجود را به خدمت آن گماشت؟ آیا فلسفی اندیشی مساوی و مساوق یا معادل یا مشابه با وجوداندیشی است یا آنکه

یکی از شقوق فلسفیدن، وجوداندیشی است؟ آیا می‌توان فارغ از مسأله وجود، فلسفه‌ورزی کرد؟ وجه سلبی فلسفه سهروردی پاسخی مثبت و قاطع به چنین پرسشی است. وجود، خواه یک معنی داشته باشد یا چند معنی، مشترک معنوی باشد یا لفظی، در تقابل با عدم باشد یا ماهیت، نیز خواه از سنخ آنتیک یا انتو-تولوژیک باشد یا انتولوژی، در بهترین حالت، تنها می‌تواند یکی از مسیرهای فلسفیدن باشد. حتی از این منظر شاید بهتر آن باشد تا در فلسفیدن خویش از تأویل معانی قدیم و جدید فلسفی به وجود پرهیز کنیم. نیز به جای کشف فلسفیدن با شیوه‌های جدید در باب وجود، کلاً به راه‌هایی در ورای افق وجود و فارغ از آن بیندیشیم. این است نتایج وجه سلبی فلسفه سهروردی. و اما چنین دعاوی، چه سخنان سنگین و سهمگینی به شمار می‌آیند! چرا که مفهوم وجود برای تاریخ فلسفه مانند مفهوم خدا برای تاریخ ادیان است و بخشی از فیلسوفان همه راه‌های فلسفه را منتهی به وجود و ختم بدان می‌انگارند.

نیچه با طرح مسأله خدا مرده است محوریت مفهوم خدا را در حوزه ادیان (به ویژه مسیحیت) زیر سؤال برد. اما در تاریخ فلسفه، در شرق، این فلسفه شهاب‌الدین سهروردی بود که اعلام کرد: وجود مرده است (و در غرب ایمانوئل کانت). به نظر می‌رسد که می‌توان بر اساس فلسفه سهروردی از پایان یا مرگ وجود در فلسفه سخن گفت. البته مرگ وجود در شرق یا غرب به معنای پایان مطلق آن نیست بلکه اعلام ختم آن در یک سطح فلسفی و طرح آن در تراز دیگری است؛ مثلاً به معنای پایان وجه هستی‌شناختی وجود و آغاز وجه معرفت‌شناختی یا هرمنوتیکی یا... آن می‌تواند باشد. حال یکی از سؤالات مهم این است که چرا نتوانیم سهروردی را جزو یکی از آغازهای فلسفی برای پایان یک دوره فلسفی در تاریخ که بر محور وجود و دوره وجوداندیشی است، بدانیم؟ به نظر می‌رسد که در تاریخ فلسفه اسلامی فیلسوفی ظهور کرده است که نه به فراق وجود بلکه به فراغت از وجود می‌اندیشد و در پی آن است تا فارغ از وجود بیندیشد. آن فیلسوف، سهروردی است. سهروردی نه با وجود می‌اندیشید و نه در فراق آن مویه می‌کند، بلکه نتیجه تفکر او به عزلت کشاندن وجود و به

حاشیه راندن آن و تعیین حد و جایگاه و سطح ویژه آن است. وی در دوره دوم تفکر فلسفی خویش به جای اندیشیدن از طریق وجود یا جعل و وضع معانی جدید برای وجود یا تأویل این یا آن حقیقت مسلم به وجود و...، کلاً محوریت وجود را به سویی می‌افکند و در سودای افکندنِ طرحی دیگر می‌رود. از نظر وی در بهترین حالت، بحث وجود برای تفکر فلسفی می‌تواند بحثی مکمل به شمار آید ولی نه بحث اصلی. فیلسوف اشراقی ما فیلسوفی است جایگزین طلب که در فلسفیدن خویش به جای سه گانه وجود و عدم و ماهیت به ظاهر و ظهور و اظهار بها می‌دهد. در افق چنین فلسفه‌ای می‌توان گفت که فلسفه (متافیزیک) به دنبال آشکارکردن جهان است ولی آن مقدار که وجود، جهان را پنهان می‌کند، آشکار نمی‌سازد. پس باید به اموری از قبیل امر آشکار و آشکارگی و آشکارکننده و آشکارشده و آشکارکردن و از این قبیل پرداخت. حتی باید از تأویل این امور به وجود نیز پرهیز داشت (مانند صدرای عتی شاید شبیه یا معادل آنچه در نزد هایدگر رخ داده است: وجود و حقیقت یعنی آلتیا یا آشکارگی). فلسفه پرداختن به امری عینی یعنی امر آشکار و ناآشکار و امور مرتبط و اعتباری مربوط به آنها مانند ظهور و عدم ظهور و اظهار و عدم اظهار و... است و نه پرداختن به وجود و موجود و... . مسأله وجود و موجود موخر و به تبع مسأله نور و ظلمت و در ذیل آن قابل طرح است.

از نظر سهروردی باید در فراق ناهمپی خود اشیا به عنوان هویات مشخص و نه در فراق ناهمپی موجود و وجود، مویه کرد. باید به خود اشیا به عنوان هویات مشخص و متعین و مشهود و حاضر نگریست و نه از ورای اموری از قبیل وجود یا موجود یا ماهیت جنسی و فصلی. وجود و موجود و ماهیت، پرده‌ها و حجاب‌هایی‌اند که مانع از دیدن خود اشیا توسط عالم می‌شوند. فلسفیدن، دیدن و فهمیدن اشیاء به واسطه وجود و موجود نیست بلکه نگریستن به خود اشیا و چشم دوختن بر دیدگان خود آنها از طریق اشراق نفس است. فلسفه یعنی چشم در چشم اشیا دوختن در پرتو نور و اشراق نفس. مثلاً آدمی، آدمی است یعنی هویتی است در قامت خودش، آنگونه که به نحوی واسطه و به

نور نفس در برابر دیدگان نورانی من ظاهر است و نه چیزی با عنوان وجود یا موجود یا یک ماهیت و یا حتی شی! نگرستن از منظر وجود و موجود یا ماهیت، بر روی اشیا پرده می افکند و میان آنها و ما فاصله می اندازد. محصول اندیشیدن با وجود و ماهیت، بُعدیت با خودیت اشیاست و نه قریت نسبت به آنها.

مروری بر تاریخ فلسفه نشان می دهد که ارسطو به معنای تصویری وجود (مقولی یا شبه مقولی) و معنای تصدیقی وجود (حقیقت و خطا) می اندیشید؛ فلوپین با پذیرش ساحت وجود به تمایز فراوجود (واحد) از وجود حکم کرد و به فراتر از وجود اندیشید و از آن فراتر رفت؛ ابن سینا به اقسام وجود پرداخت و وجود را در اقسام آن به نظاره نشست (علت و معلول، ثابت و متغیر و...); ملاصدر با تمایز اساسی وجود از ماهیت (حد وجود)، به اصالت وجود پرداخت و آن را در برابر ماهیت، اصل دانست؛ کانت با تمایز وجود رابط از وجود محمولی، به وجود رابط محوریت داد و به عنوان یک مقوله استعلایی، به وجود، سطحی استعلایی بخشید؛ هوسرل با تمایز خوداشیاء از وجودشان و با محوریت قائل شدن به خوداشیاء، وجود را در پراتزدیاء، البته با حفظ تراز استعلایی برای خود اشیا و نه وجود؛ هایدگر با طرح معنایی جدید از وجود به معنای وجود انضمامی (concrete existence) که خود را در قالب دازاین و اگزیتانس او نمودار می ساخت به پدیدارشناسی وجود از طریق دازاین پرداخت و رویکردی پدیدارشناختی را در وجودشناسی به کار برد. وی در ادامه با اوج گیری به سوی یک وجودشناسی عام که متمایز از موجودشناسی است، فلسفه وجود جدید خود را پایه گذرای کرد.

اما سهروردی مهم ترین مسأله این فیلسوفان را که وجود است و انهاد و محوریت و اهمیت را به نور (و نه ظلمت) داده است. (دینانی، ج ۳، ۱۳۷۸: ۱۲۹) این فیلسوف با تمایز مفاهیم عینی و ذهنی، موجود و وجود را اعتباری دانست و محوریت را به هویات عینی داد. از نظر سهروردی، فلسفه اساساً و اولاً و بالذات، عهده دار عین شناسی (هویات عینی) است و نه اعتبارشناسی (امور

اعتباری) که امر فرعی و بالتبع است. به نظر وی هویات عینی، خود اشیا و مقومات آنها هستند؛ ولی امور اعتباری، مربوط به اشیا و نظم دهنده و مرتب کننده آنها در سطح شناخت آنها هستند. از نظر سهروردی بحث و کشف وجوه متافیزیکی امور عینی لزوماً با محوریت موجود و وجود صورت نمی گیرد. بنابراین، پروژه سهروردی در فهم متافیزیکی عالم، هم گذر از موجودشناسی است و هم وجودشناسی. سهروردی به دنبال فهم و شناخت عالم از طریق متافیزیک نوری است و نه وجودی، آنهم متافیزیک نوری که گویی از وجوه پدیدارشناختی برخوردار است (مثلاً در توصیف نور). وجه متافیزیکی یک هویت عینی، در وهله نخست، وجود یا موجودیت آن نیست بلکه نوری یا ظلمانی بودن آن است.

پرسش فلسفی سهروردی در باب یک شی (مانند انسان) بر اساس محور فلسفه اش یعنی نورشناسی در وهله نخست، آن نیست که آن شی هست یا نیست (متافیزیک کلاسیک) یا این پرسش هم نیست که ماهیت آن در جهان بودن است یا در جهان بودن نیست (هایدگر)، بلکه نخستین سؤال فلسفی این فیلسوف آن است که یک شی، خود آشکار و دیگر آشکار است یا نه؟ آیا شی، خود و جهان را نشان می دهد و به نمایش می گذارد؟ آیا شی، صحنه ظهور و آشکارسازی خود و جز خود است یا نه؟ مثلاً پاسخ سهروردی در مورد انسان آن است که آدمی حقیقتی برخوردار از یک ظهور چندگانه است: ظهور هم برای خود و هم دیگران برای خود و هم خود برای دیگران. من، نقطه تلاقی ظهور خود و دیگران برای خود و خود برای دیگران است. من ظهوری فرو خفته و درخود نیست، بلکه گشوده برای خود و برای جهان است. خود و جز خود از طریق ظهور برای ما حضور دارند. حضور، ناشی از ظهور و تابع آن است. براساس فلسفه سهروردی اگر نوری و ظهوری درکار نباشد، نه هستی و نیستی و نه در جهان بودن یا نبودن و نه...، معنایی نخواهند داشت و اساساً فلسفه در بی معنایی غوطه ور خواهد بود.